


Exploring Solutions for Public and Elite Participation in the Judicial System

Masoomeh Sarvandi

PhD student of Entrepreneurship Management, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran. Tehran, Iran.


Email: Sarvandiniloofar7@gmail.com

 0000-0002-1571-8547

Mahdi Abdolhamid

Assistant Professor, Faculty of Management, Economics and Development Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran (corresponding author).


Email: Mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

 0000-0003-4118-4937

Mostafa Maleki

PhD student, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran.


Email: Mostafamaleki88@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Hamidreza Nematollahi

M.Sc. Student of Public Administration, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: Hamidreza.nematollahi95@gmail.com

 0000-0002-6909-9374

Abstract

In advanced judicial systems, stakeholder involvement serves as a critical component of operational efficiency, facilitating the resolution of conflicts within judicial institutions. Participation is widely recognized as a fundamental indicator of political and social development, playing an essential role in the advancement of society. Accordingly, the objective of the present research is to identify and categorize strategies aimed at encouraging the participation of both the general public and elites in the judicial system, employing a content analysis methodology. The data collection process was conducted on a cross-sectional basis. Fifteen university professors, researchers, and judiciary staff from various departments were selected through purposive sampling, utilizing the maximum diversity technique. Semi-structured interviews were conducted to gather insights. The resulting data were subjected to thematic analysis, with the process of participant selection, interviewing, and data analysis continuing until theoretical saturation was reached. In the initial phase of analysis, 97 primary codes were identified, which were subsequently condensed into 49 basic themes. These basic themes then gave rise to six organizing themes, which were ultimately grouped into two overarching themes. The findings of the research suggest that strategies for enhancing the participation of both the public and elites within the judicial system can be systematically categorized into six thematic domains: structural, contextual, managerial, individual, cultural-interpersonal, and legal.

Keywords: participatory governance, participation, elites, thematic analysis, judicial system.



شناسایی راهکارهای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی

معصومه سروندی

دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: SarvandinilooFar7@gmail.com

0000-0002-1571-8547

مهدی عبدالحمید

استادیار دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

0000-0003-4118-4937

مصطفی ملکی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

Email: Mostafamaleki88@gmail.com

0000-0000-0000-0000

حمیدرضا نعمت‌الهی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Hamidreza.nematollahi95@gmail.com

0000-0002-6909-9374

چکیده

در نظام‌های قضایی توسعه‌یافته، یکی از عناصر مهم کارآمدی، مشارکت ذی‌نفعان است که به حل تعارضات موجود در نهادهای قضایی کمک شایانی می‌کند. مشارکت از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی و اجتماعی برای ارتقای جامعه بوده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بر این مبنا، هدف پژوهش حاضر، شناسایی و دسته‌بندی راهکارهای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی با روش تحلیل مضمون است. جمع‌آوری داده‌ها از نظر زمان پژوهش، مقطعی است. در پژوهش حاضر، ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه، پژوهشگران و کارکنان بخش‌های گوناگون قوه قضائیه از طریق نمونه‌گیری هدفمند با استفاده از تکنیک حداکثر تنوع انتخاب شده و با آن‌ها به‌صورت نیمه ساختاریافته، مصاحبه صورت گرفت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از طریق روش تحلیل مضمون، مورد تحلیل قرار گرفت. فرایند انتخاب، مصاحبه و تحلیل تا حصول به اشباع نظری، ادامه یافت. داده‌های جمع‌آوری شده در مرحله نخست، در قالب ۹۷ کد اولیه و در مرحله دوم در قالب ۴۹ مضمون پایه دسته‌بندی شد. از تحلیل مضامین پایه، ۶ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد و در نهایت مضامین سازمان‌دهنده، در قالب ۲ مضمون فراگیر معین شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که راهکارهای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی در قالب شش دسته مضمون (ساختاری، زمینه‌ای، مدیریتی، فردی، فرهنگی - میان فردی و قانونی) قابل احصا و دسته‌بندی است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مشارکتی، مشارکت، نخبگان، تحلیل مضمون، نظام قضایی.



مقدمه و بیان مسئله

اهمیت مشارکت چه از نوع اقتصادی و اجتماعی که به معنای شرکت آحاد جامعه در فرایندهای صنفی است (Mahmood & Muntaner, 2020) و چه از نوع سیاسی به منظور اثرگذاری بر اهداف و برنامه‌های اداره جامعه، بر کسی پوشیده نیست (Woodcraft & Bacon, 2008)؛ (Osburg & Schmidpeter, 2013). روندهای جدید در پژوهش‌های اداره عمومی نیز، حاکی از توجه فزاینده به رویکرد حکمرانی مشارکتی و مشارکت ذی‌نفعان است (Abdolhamid & et al, 2023). مشارکت ذی‌نفعان کلیدی در فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌تواند منجر به پشتیبانی عمومی برای اصلاحات سیاسی و قضایی شود و تضادهای ناشی از اقدامات سیاسی را برطرف سازد. ذی‌نفعان کلیدی، افراد و گروه‌هایی هستند که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارند ولی در فرایند خط‌مشی‌گذاری، مشارکت مستقیم ندارند (باغبادارانی و یعقوبی‌پور، ۱۴۰۰) و سازمان‌های مدنی، رسانه‌ها، گروه‌های صنفی، جوامع علمی و سایر نهادها و افراد مرتبط را در برمی‌گیرند. مشارکت فعال ذی‌نفعان، از طریق ایجاد فضای مناسب برای گفتگو و تبادل اطلاعات، فرصت‌هایی را برای شنیدن دیدگاه‌های متنوع و بیان نیازها و مسائل اجتماعی فراهم می‌کند و ارتقای انتقاد سازنده و بهبود چشمگیر در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی را موجب می‌شود (الصاق، ۱۴۰۰)؛ این نوع مشارکت باعث تطابق بهتر خط‌مشی‌ها و قوانین با نیازها و انتظارات جامعه می‌شود و به افزایش اعتماد عمومی به فرایند خط‌مشی‌گذاری کمک می‌کند (رمضان‌پور، عبدالحمید و رضاییان، ۱۴۰۰). مشارکت، یکی از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی و اجتماعی جوامع کنونی است. حق تعیین سرنوشت و مشارکت در امور به‌عنوان یکی از حقوق سیاسی جامعه، با توجه به تفاهمات و قوانین مرتبط، به تمام افراد تعلق دارد. این حق، دارای مفهوم عمیقی است؛ زیرا مردم مجازند در فرایندهای تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت خود فعالیت نمایند و نظرات، ایده‌ها و نیازهایشان را بیان کنند. مشارکت مردم در امور جامعه، شفافیت، عدالت، پایداری اجتماعی و اعتماد عمومی را تقویت کرده و تعامل بین مردم و نهادهای سیاسی و اجتماعی را افزایش می‌دهد (Rüede & Lurtz, 2012) (Weiss, 2020)؛ (Michelini, 2012).

چنین وجهی از حقوق را حقوق عمومی می‌نامند که به یک امر عمومی که همان مشارکت مردم در حکمرانی و اداره جامعه می‌باشد، مرتبط است (Shaker & Covin, 1994). همچنین باید توجه داشت که این نوع از حقوق عامه، صرفاً بخش کوچکی از حقوق عمومی بوده و روابط مردم و هیئت حاکمه را مشخص می‌نماید (Asefa, 2018)

(Sudiarawan, Wairocana & Hermanto, 2020)؛ تمامی حقوق اجتماعی مانند شرکت در همه‌پرسی، رأی دادن یا انتخاب شدن، شکایت، انتصاب در پست دولتی و مانند این‌ها، جزئی از حقوق سیاسی است که قاعده تعیین سرنوشت و مشارکت عمومی را در برمی‌گیرند. در اصل ۵۶ قانون اساسی نیز این موضوع تصریح گردیده است که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از قدرت خدا نشئت می‌گیرد و همانا خداوند، انسان را به‌عنوان حاکم بر سرنوشت اجتماعی خود تعیین کرده است (هاشمی، ۱۳۸۳).

مسئله این است که برای دستیابی به توسعه، چه شرایطی باید فراهم شود. در این میان، موضوع تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی و درک نقش مردم و نخبگان، به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های مهم حرکت به سمت توسعه، اهمیت دارد (Chowdhury & Panday, 2018)؛ (Taamneh, Nawafleh, Aladwan & Alquraan, 2018).

بر این اساس، بررسی جایگاه مردم و نخبگان در تعیین سرنوشت و مشارکت آن‌ها یکی از ضرورت‌های جوامع امروزی، به‌ویژه در جامعه ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران است. نخبگان، با داشتن دانش، تجربه و مهارت‌های تخصصی، می‌توانند در فرایندهای تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت جامعه نقش مؤثری ایفا کنند. مشارکت فعال نخبگان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و قضایی باعث بهبود عملکرد نظام سیاسی و توسعه جامعه می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۷)؛ (وروایی، ۱۳۹۴) (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴).

در این میان، نظام قضایی، یکی از عرصه‌های بسیار پر اهمیت حکمرانی و به تبع آن، نیازمند مشارکت جدی مردم و نخبگان است. از آنجایی که تحقق عدالت در جامعه، وظیفه دستگاه قضا است، جهاد عمومی برای مبارزه با فساد و برقراری عدالت نیاز امروز جامعه ایران است. استفاده از نظرات کارشناسان و نخبگان امر در زمینه ارتقای جایگاه قوه قضائیه و اعتماد مردم به آن بسیار راهگشا خواهد بود (دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، ۱۳۹۸).

با وجود اقداماتی که در خصوص جلب مشارکت مردم و نخبگان در قوه قضائیه صورت گرفته است، کمبود پژوهش‌های نظری و تجربی در این زمینه، همچنان مشهود است و این موجب شده است که ابتکارات متعددی که با هدف گشایش درهای قوه قضائیه انجام شده، از جهت‌گیری‌ها و تفاسیر متفاوتی پیروی کند. در نتیجه می‌توان گفت که در وضعیت کنونی، توسعه نظام قضایی باز، نابرابر و ناهمگون است. از این رو پژوهش حاضر درصدد شناسایی راهکارها و ارائه پیشنهادهاتی برای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی است.

۱. پیشینه پژوهش

عنوان مقاله	نویسندگان	سال	خلاصه یافته‌های پژوهش
استقلال نخبگان شایسته: دولت، قضات و دموکراسی	سوفی و تورن ^۱	۲۰۱۷	اعتماد عمومی به دادگاه‌ها را می‌توان از طریق تغییر رویه‌های مربوط به ساختار نهادی قوه قضائیه، مانند استفاده از شرکت‌کنندگان غیر رسمی یا مشارکت شهروندان در انتخاب قضات، به دست آورد. سبک قضاوت و استدلال نیز ممکن است مقبولیت عمومی تصمیمات قضایی را افزایش دهد. دیدگاه‌ها در مورد اینکه آیا می‌توان از مشارکت شهروندان و متخصصان حوزه‌های دیگر برای جلب احترام جامعه استفاده کرد یا خیر، متفاوت است. با این وجود باید موارد زیر را در نظر گرفت: ۱- شرکت‌کنندگان در امور قضایی می‌توانند تنها افراد متخصص این حوزه نبوده بلکه افراد دارای تخصص‌های دیگر مانند دانشگاهیان یا ... نیز باشند. ۲- ترکیب قوه قضائیه باید تنوع جامعه را منعکس نموده و سبب محرومیت اجتماعی گروه‌های اقلیت نشود و این امر به اهمیت دسترسی همگان به عدالت و احترام جامعه اشاره دارد. ۳- برنامه‌های آموزشی قضایی باید به مسائل اجتماعی نیز پرداخته و قضات را با چالش‌ها و مشکلات اجتماعی آشنا کنند تا در اعمال عدالت بهتر عمل نمایند.
مشارکت عمومی در قانون‌گذاری (مطالعات مقایسه‌ای قانونی در اندونزی، آفریقای جنوبی و ایالات متحده)	گوسمن و سیوفیان ^۲	۲۰۲۳	مشارکت اجتماعی و نیازهای قانونی جامعه، جزو شکل‌گیری قوانین و تجلی ایدئال دموکراتیک هستند. در جامعه دموکراتیک، مشارکت عمومی اساسی است و بدون آن، قوانین استبدادی شکل می‌گیرند. تأکید بر مشارکت عمومی مسئله عدالت را ترویج می‌دهد و به ایجاد تنظیمات بهبودی در قوانین کمک می‌کند. این تحولات در نهایت منجر به ارتقای کیفیت دموکراسی و تقویت اعتماد مردم به ساختارهای حکومتی می‌شود. به این ترتیب، اهمیت مشارکت عمومی در فرایند تشریح از طریق ایجاد تعادل بین محدودیت‌ها و مزایای آن، برجسته می‌شود.
استماع عمومی و مشارکت شهروندان در قانون‌گذاری	اودو ^۳	۲۰۲۱	افزایش سطح درآمد و تحولات به‌طور معمول منجر به مشارکت بیشتر می‌شود که این امر منجر به گسترش نمایندگی مناسب از تنوع گسترده‌ای از منافع و دیدگاه‌های شهروندان می‌شود. این مقاله چهار رویکرد را برای افزایش مشارکت شهروندان پیشنهاد می‌کند: اصلاح عملکرد

1. Sophie, Turenne
2. Gusman & Syofyan
3. Audu

عنوان مقاله	نویسندگان	سال	خلاصه یافته‌های پژوهش
در نیجریه: مطالعه کمیته سنا در زمینه قضایی، حقوق بشر و مسائل قانونی			قانون‌گذاری، توجه به اخلاق، ترویج دموکراسی مستقیم و تقویت آموزش مدنی. پژوهشگران همچنین معایب و مزایای بالقوه برنامه‌های مشارکت شهروندان را بررسی می‌کنند؛ از جمله افزایش هزینه‌ها و زمان موردنیاز، ولی همچنین توانایی افزایش اثربخشی و همکاری بین سیاست‌گذاران و جامعه را مورد توجه قرار داده‌اند.
ساختاردهی به مسئله عدم مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران	رمضان پور، عبدالحمید، رضاییان	۲۰۲۲	تدوین خط‌مشی‌های عمومی گامی حیاتی در پرداختن به مسائل اجتماعی در ایران است و عاملی کلیدی در موفقیت سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. سیاست عمومی مؤثر نیازمند یک فرایند سیستماتیک و هدفمند برای تولید داده‌های قابل اعتماد و تبدیل آن به دانش عملی و راهبردی و افزایش مشارکت نخبگان است. عدم ارتباط نظام‌مند با دولت، ضعف‌های علمی و ارتباطی نخبگان دانشگاهی، عدم تحمل مخالفت‌ها، وجود نظرات متعارض و سیاسی‌سازی بیش از حد، از موانع اصلی مشارکت خبرگان در سیاست‌گذاری است. دولت ایران باید به این موانع رسیدگی کند تا بتواند محیط مساعدتری برای مشارکت کارشناسان در تدوین سیاست فراهم کند.

نتیجه بررسی پیشینه پژوهش و مطالعات انجام شده بیانگر عدم مطالعه و بررسی عوامل و راهکارهای مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی است. این خلأ و شکاف نظری در مطالعات داخلی و بین‌المللی وجود دارد، لذا انجام پژوهشی که به شناسایی عوامل و مؤلفه‌های زمینه‌ساز برای مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی و ارائه راهکارهایی جهت انجام این مهم بپردازد، ضرورت می‌یابد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعیین حق مشارکت عمومی در نظام قضایی و خط‌مشی‌گذاری قضایی

نظارت و توجه مردم نسبت به صحت و دقت عملکرد قوای سه‌گانه و الزام به پاسخگویی آنان یکی از مهم‌ترین محرک‌های افزایش دقت، صحت و سرعت عمل قوای سه‌گانه است (پورعزت، ۱۳۹۵). با تعمیق تدریجی اصلاحات و ظهور جامعه مدنی، شهروندان به تدریج در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی مشارکت می‌کنند (Fusco & Ricci, 2019)؛ (Whitford, Milward, Galaskiewicz & Khademian, 2020). هنگامی که مردم و نخبگان سیاسی و قضایی (مانند وکلا و قضاتی که به‌طور مؤثر سیستم

دادگاه‌ها را اداره و کنترل می‌کنند) (Ratnapala, 2017)؛ (Peters M. A., 2008)؛ (Jessop,) 2007) در تدوین یک برنامه مشارکت دارند، در واقع در آینده آن سهیم می‌گردند. مشارکت موجب افزایش علاقه و ایجاد حس مالکیت می‌شود که می‌تواند منجر به تعهد بلندمدت به رسالت و اهداف سازمان‌های مربوطه گردد (Rubin, 1985).

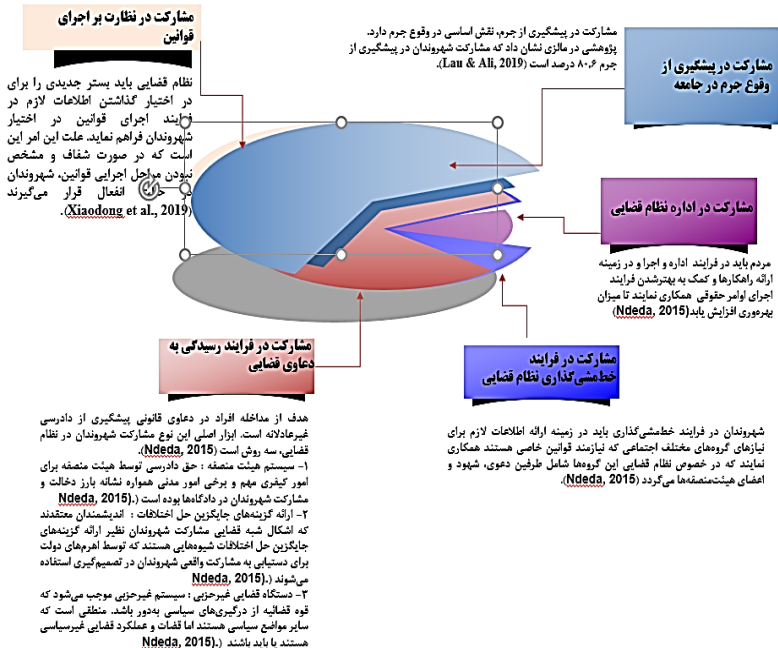
شیوه‌های مشارکت عمومی در نظام قضایی یک اصل اساسی در جهت توسعه نظام‌های قضایی سوسیالیستی است. جوامع سوسیالیستی با کنار هم قرار دادن حقوق دانان حرفه‌ای و عموم مردم بر مفهوم «عنصر اجتماعی»^۱ تأکید می‌کنند؛ افراد یا سازمان‌هایی که فاقد صلاحیت‌های حرفه‌ای خاص در نظام قضایی هستند، ولی خارج از شغل عادی خود و بدون حقوق و دستمزد در این نظام نقش دارند (Venkatesh, Rai, & Setia, 2019). هدف در اینجا نزدیک کردن قانون به زندگی، نزدیک کردن فرایندهای قضایی به جامعه (Yuan, Lu, Tian, & Yu, 2018)؛ (Wempe, 2009) و غلبه بر بیگانگی دعاوی قضایی از جامعه به‌عنوان یک کل یا گروه‌های اجتماعی آن است. این هدف، زمانی محقق می‌شود که فرایندهای قضایی تا حد امکان به حلقه‌های گسترده‌ای از جامعه نفوذ کند (LOMAX, 2009)؛ (Borucka-Arctowa, 1976).

همچنین، تقویت فرهنگ مشارکتی در سیستم قضایی می‌تواند مشارکت را ارتقا داده و عملکرد نهادهای قضایی را بهبود بخشد (Ellen & Carroll, 2021). استقلال قضایی، دسترسی به عدالت و تغییرات رفتاری مقامات قضایی نیز به مشروعیت قوه قضائیه کمک می‌کند (Abdul Salim, 2015). از این رو با استناد به نوع‌شناسی منطق‌های مشارکت عمومی (الوانی و همکاران، ۱۳۹۴)، در خصوص اهمیت مشارکت مردم در نظام قضایی می‌توان استدلال نمود از آنجایی که یکی از وظایف نظام قضایی اجرای عدالت است، شهروندان حق دارند در فرایند اجرای عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ارزش‌های عمومی در تصمیمات عمومی دخالت داشته باشند. از دیگر وظایف نظام اجرایی انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از وقوع جرائم و نظارت بر حسن اجرای قوانین است (Pichch & Elena, 2014) که با استناد به منطق ابزاری مشارکت، دخالت و مشارکت شهروندان از طریق بهبود پاسخگویی و قانونمندی عمومی در جهت اجرای موفقیت‌آمیز این وظیفه نظام قضایی، مثر ثمر خواهد بود (Mallon, 2004)؛ (French & Bell, 1995) و در آخر بر اساس منطق هنجاری مشارکت، به دلیل آن‌که مشارکت عمومی با ارائه اطلاعات مفید، منجر به درک

عمیق‌تر از مسائل و نیازها در حل یک مسئله خاص می‌گردد، به نظام قضایی در راستای وظیفه کشف جرم و تعقیب مجرمان و اجرای حدود و تعزیرات کمک قابل توجهی می‌نماید (Coghlan, 2014)؛ (Platteau, 2007). در فرایند تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها، مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی، یک الزام اجتناب‌ناپذیر برای تضمین عادلانه بودن خط‌مشی عمومی و بهبود قابلیت اطمینان و اعتبار تصمیمات است (Gaete, 2008)؛ (Christie, 2018). همچنین، افزایش تشکل‌های مردمی و نهادهای مدنی با مشارکت مردم و نخبگان، فرایند تصمیم‌گیری را تسهیل نموده و به ایجاد کانال‌های ارتباطی بین گروه‌ها کمک می‌کند. در همین راستا، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی، مشارکت الکترونیکی در ساختار قضایی را تسهیل می‌کند و از مسائل غیرضروری جلوگیری می‌کند (Karin, 2012).

۲-۲. انواع مشارکت عمومی در نظام قضایی

شهروندان به شیوه‌های مختلفی در نظام قضایی مشارکت دارند، این شیوه‌ها عبارت‌اند از:



۳-۲. مزایای مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی

هدف اصلی از مشارکت مردم و نخبگان تشویق به ورود معنادار در فرایند تصمیم‌گیری است (Cameron & Green, 2020). بنابراین مشارکت مردم و نخبگان فرصتی را برای ارتباط بین سازمان‌های تصمیم‌گیرنده و مردم فراهم می‌کند. روش‌های مختلفی برای سازمان‌دهی مشارکت شهروندان وجود دارد. رأی‌گیری، لابی‌گری، نظرسنجی افکار عمومی و کمیته‌های مشورتی برخی شیوه‌هایی هستند که از طریق آن‌ها مردم می‌توانند در اداره نظام قضایی مشارکت کنند. پژوهشگران حوزه‌های قضایی تمایل دارند از مشارکت کاربران دادگاه در رسیدگی‌های قضایی به‌عنوان ضرورتی برای اجرای عدالت صحبت کنند. در انجام این کار، آن‌ها از تعاریف آماده یا دقیق مشارکت استفاده نکردند، بلکه مفهوم را به طریقی وسیع بیان داشته‌اند (McCabe, 2020).

در حالی که مزایای متعددی در ارتباط با مشارکت عمومی در فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری وجود دارد، معایبی نیز وجود دارد (Chowdhury & Panday, 2018). مشارکت عمومی می‌تواند زمان‌بر و گاهی پرهزینه باشد. برای انجام مؤثر، سازمان‌ها باید ظرفیت ایجاد کرده و کارکنان را آموزش دهند. همچنین باید توجه داشت که مزایای مشارکت، زمانی اعمال می‌شوند که مشارکت مردم و نخبگان یک فرایند دوطرفه باشد - جایی که وکلا و نخبگان حقوقی و قضایی و عموم می‌توانند مشارکت کنند و از آن بهره ببرند (Speck, 2011). در ادامه برخی از مهم‌ترین مزایای مشارکت عمومی آورده شده است:

- ❖ درک بهتر از انتظارات مردم و نخبگان و نیازهای گروه کاربر؛
- ❖ درک بهتر سازمان از نقش و مشارکت جامعه؛
- ❖ جلب حمایت جامعه برای یک پروژه و بهبود روابط با ذی‌نفعان؛
- ❖ بهبود درک عمومی از مسئولیت‌های سازمان؛
- ❖ بهبود دانش فنی کارکنان و جامعه؛
- ❖ بهبود اعتبار سازمان در جامعه؛
- ❖ ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری توسط سازمان‌ها؛
- ❖ افزایش سرمایه اجتماعی و جریان منافع اجتماعی و اقتصادی؛
- ❖ فرایند سیاسی پیشرفته و آگاهانه؛
- ❖ انطباق بیشتر ذی‌نفعان با راهکارها از طریق افزایش حس مالکیت راهکارها در ذی‌نفعان؛

❖ دسترسی بیشتر به مهارت‌ها و دانش جامعه (Svensson, 2019)؛ (Bejou & Bejou, 2016).

۲-۴. ویژگی‌ها و بایسته‌های مشارکت عمومی

مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشارکت عمومی عبارت‌اند از:

❖ مشارکت عمومی، تأثیر همکاری عمومی بر تصمیم‌گیری را تضمین می‌کند؛

❖ مشارکت عمومی با شناخت و اطلاع‌رسانی نیازها و علایق تمامی بازیگران، از جمله سازمان‌های تصمیم‌گیرنده، تصمیمات پایدار را ارتقا می‌دهد (Venkatesh, Rai, & Setia, 2019)؛

❖ مشارکت عمومی به دنبال مشارکت افرادی است که بالقوه تحت تأثیر یک تصمیم قرار می‌گیرند یا علاقه‌مند به آن هستند؛

❖ مشارکت عمومی به دنبال نظرات شرکت‌کنندگان در طراحی نحوه مشارکت است (Fusco & Ricci, 2019)؛

❖ مشارکت عمومی، اطلاعاتی لازم برای مشارکت را به شرکت‌کنندگان ارائه می‌کند. مشارکت عمومی به شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که چگونه نظرات آن‌ها بر تصمیم‌گیری تأثیر گذاشته است (McGuire, 2019).

همچنین بایسته‌های مشارکت عمومی جهت افزایش اثربخشی آن به شرح ذیل است:

❖ برای جلوگیری از ایجاد توقعات نادرست، لازم است جستجوی سازمان برای مشارکت عمومی و میزان مشارکت در نظر گرفته شده باز و شفاف باشد (Whitford, Milward, Galaskiewicz & Khademian, 2020)؛

❖ برنامه‌های مشارکت عمومی باید تنوع ارزش‌ها و نظرات موجود در درون و مابین جوامع را در نظر بگیرد؛

❖ طراحی خوب برنامه برای موفقیت برنامه‌های مشارکت عمومی بسیار مهم است (شارک، ۲۰۱۲)؛

❖ تکنیک‌ها و آموزش‌های تخصصی مشارکت عمومی برای موفقیت برنامه‌ها ضروری است؛

❖ محتوای اطلاعاتی برنامه‌های مشارکت عمومی باید جامع، متعادل و دقیق باشد (Venkatesh, Rai, & Setia, 2019)؛

- ❖ یک برنامه مشارکت عمومی باید متناسب با وضعیت موجود تنظیم شود؛
- ❖ فرایند مشارکت عمومی مستلزم زمان و منابع کافی است (Woodcraft & Bacon, 2008)؛
- ❖ کارکنان سازمان باید در طراحی و فرایندهای مشارکت عمومی مهارت داشته باشند؛ قبل از اینکه سازمان رویکرد خود را نهایی کند، باید در طراحی و فرایند مشارکت عمومی با جامعه مشورت نماید (Irvin & Stansbury, 2004).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توسعه‌ای بوده و مبتنی بر رویکرد کیفی، با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه، پژوهشگران و کارکنان نظام قضایی بوده‌اند که با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان انجام شده و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. معیار انتخاب افراد در نمونه‌گیری هدفمند، بر اساس تجربه و درگیری آن‌ها در زمینه قوه قضائیه، آشنایی با مفاهیم مدیریتی بوده است. مشخصات شرکت‌کنندگان به این شرح است: ۵ عضو هیئت‌علمی، ۵ دانش‌آموخته دکتری و ۵ کارشناس قوه قضائیه (۶۰ درصد زن و ۴۰ درصد مرد) با میانگین سنی ۳۵ سال. نمونه‌ها با استفاده از تکنیک حداکثر تنوع (Speziale, Streubert & Carpenter, 2011)؛ (Fusch & Ness, 2015) با در نظر گرفتن درجه و رشته تحصیلی آن‌ها به‌طور هدفمند انتخاب شدند تا اطمینان حاصل شود که طیف متنوعی از تجربیات به‌دست‌آمده است. برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های پژوهشی، از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و با استفاده از الگوی مصاحبه‌های کیفی، در بازه زمانی تقریبی بین ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شد.

برای ارزیابی معیار "قابل قبولی" شبکه مضامین، از روش‌های جمع‌آوری و همسوسازی داده‌ها از منابع متنوعی مانند خبرگان، منابع علمی و پژوهشی، مطالب تئوریک و پژوهشی، بازنگری محققان و کنترل اعضای مشارکت‌کننده در پژوهش بهره گرفته شد. برای ارزیابی معیار "قابل اعتمادی" شبکه مضامین، تمام مراحل پژوهش به‌طور کامل مورد ارزیابی قرار گرفت. با توجه به اینکه این مطالعه با هدف تحلیل راهکارهای مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی طرح‌ریزی شده بود، رویکرد تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006) انتخاب شد. هدف اصلی این پژوهش،

جمع‌آوری راهکارها و عوامل زمینه‌ساز برای مشارکت مردم و نخبگان بود. ابتدا محققان با محتوای داده‌ها آشنا شدند. سپس، متون مصاحبه‌ها به‌طور دقیق مطالعه شدند تا اطمینان حاصل شود که محتوای آن‌ها درک شده است. در مرحله بعد، کدگذاری اولیه انجام شد و قسمت‌هایی از متون و جملات مرتبط با سؤالات پژوهش مشخص شد. سپس، کدهای مشابه یا معنایی در یک دسته‌بندی منطقی جمع‌آوری شدند. محققان مجموعه داده‌های کدگذاری شده را که شامل ۹۷ کد بود، بررسی کردند و شباهت‌ها و تفاوت‌ها را مورد بحث قرار دادند و در پایان اختلافات را برطرف نمودند. از شاخص «کاپا کوهن»^۱ برای محاسبه توافق بین ارزیابان که داده‌ها را تنظیم کرده بودند، استفاده شد. همان‌طور که در ادامه نشان داده شده است مقدار شاخص کاپا $\text{kappa} = \text{Pi} = (\text{PAo} - \text{PAE}) / (1 - \text{PAE})$ برابر با ۰/۸۹۶ محاسبه شده که با توجه به جدول ۲ در سطح توافق عالی قرار گرفته است.

جدول ۲: وضعیت شاخص کاپا و نتایج آماره ضریب توافق کاپای کوهن

وضعیت توافق	مقدار عددی شاخص کاپا	نتایج آماره (ضریب توافق کاپای کوهن)	
ضعیف	کمتر از ۰ - 3/2	۰/۸۹۶	ارزش
بی‌اهمیت		۰۴	تعداد نمونه‌ها
متوسط	3/20 - 3/4	۰/۰۰۰۱	معنی داری
مناسب	3/40 - 3/8		
معتبر	3/80 - 3/6		
عالی	3/60 - 0		

پس از اجماع کدهای توسعه‌یافته، آن‌ها با متن مصاحبه، مقایسه شدند تا از تفسیر دقیق داده‌ها اطمینان حاصل شود. با سازماندهی کدها بر اساس هم‌پوشانی، داده‌ها کاهش یافت و در مجموع از ۴۹ کد برای تحلیل بیشتر و بهتر، استفاده شد. موضوعات فرعی با معانی جامع مشابه ترکیب شد و پنج موضوع پایانی را تشکیل داد. در این پژوهش صحت تحقیق بر اساس چهار معیار روایی، قابلیت انتقال، قابلیت اعتبار و قابلیت اطمینان ارزیابی شده است (کرفتینگ^۵، ۱۹۹۱). همچنین توسط پژوهشگرانی که هیچ ارتباطی با شرکت‌کنندگان نداشتند انجام گردید. بنابراین، شرکت‌کنندگان تحت تأثیر عوارض جانبی قرار نگرفتند تا یک پاسخ اجتماعی

4. Cohen's kappa coefficient

5. Krefting

مطلوب ارائه کنند (Krefting, 1991) و برای اطمینان از اعتبار و قابلیت اطمینان، از محققان مستقل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است (Krefting, 1991). برای جلوگیری از تفسیر نادرست و افزایش اعتبار (Boen, Cuyper, & Opdenacker, 2006) سندی متشکل از داده‌های خام، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، درخت کدگذاری و مصاحبه‌ها به منظور صحت قابلیت اطمینان ایجاد شد (Krefting, 1991).

۴. یافته‌های پژوهش

پژوهشگران، از مطالعه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در مرحله نخست ۹۷ کد اولیه و در مرحله دوم ۴۹ مضمون پایه استخراج کردند. از تحلیل مضامین پایه، ۶ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد. توضیح این‌که با بررسی یافته‌ها مشخص شد که مضامین سازمان‌دهنده از مصاحبه دهم به بعد تغییری جزئی داشته‌اند؛ ضمن اینکه پس از مصاحبه سیزدهم، مضمون فرعی تغییری نیافت و از نظر پژوهشگران با ادامه مصاحبه‌ها، مضامین سازمان‌دهنده، به خوبی به غنای لازم رسید. در نهایت مضامین سازمان‌دهنده، در قالب ۲ مضمون فراگیر دسته‌بندی شد. در جدول ۳، شبکه مضامین شامل، مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه نشان داده شده است.

جدول ۳. شبکه مضامین راهکارهای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی

مضمین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	محتوا
راهکارهای سطح کلان (خط‌مشی‌گذاری)	ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> - تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ - تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در قالب سازمان‌های تعاونی که هم متضمن مشارکت بوده و هم برای اعضا منافع مادی و خدماتی در برداشته باشد؛ - استفاده از ساختارهای تخت و کوتاه نمودن مسیر تصمیم‌گیری در تمامی سطوح؛ - حذف فرایندهای زائد اداری؛ - استفاده از ساختارهای شبکه‌ای به جهت استفاده حداکثری از توان نهادهای مردم نهاد به تناسب به تخصص نهادها؛ - پرهیز از تصدی‌گری و واگذاری فعالیت‌ها به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت

<p>و ایجاد فرصتی که سبب شود بتوانند در فعالیت‌ها و امور جامعه‌سازی مشارکت کنند؛</p> <ul style="list-style-type: none"> - زمینه‌سازی با ایجاد نهادهای اجتماعی قوی و تقویت ارتباطات و اعتماد بین آحاد مختلف مردم؛ - طراحی سامانه متمرکز و استقرار تمامی فرایندهای قضایی در سامانه با رویکرد کاهش مراجعات حضوری. 		
<ul style="list-style-type: none"> - عمق بخشیدن به روحیه مشارکت عمومی با ایجاد انگیزه و اعتقاد به قدرت تعاون و همکاری و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم شهروندان جامعه؛ - نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت مردمی؛ - استفاده از مدل‌های بومی و متناسب با بافت فرهنگی جامعه برای جلب مشارکت مردمی؛ - ایجاد زیربنای مشارکت مانند افزایش امید به آینده در جوانان و رفع بیکاری؛ - آگاه‌سازی مردم از اهداف، فواید و اثربخشی همکاری و مشارکت آنان؛ - سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی؛ - ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های مردم از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات؛ - توجه به اقلیت‌های قومی - فرهنگی و تسهیل زمینه مشارکت. 	زمینه‌ای	
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد گروه منتخب از نخبگان برای شناسایی مسائل و مشکلات و تدوین دستورالعمل؛ - ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی و کاهش فقر و فراهم‌سازی شرایط مشارکت مردم؛ - تدوین دستورالعمل مدون مشارکت در قوه قضائیه؛ - توجه به محدودیت‌های افراد کم‌توان و جلب مشارکت از طریق ابزار مناسب و تشکیل 	مدیریتی	

<p>کارگروه‌های مختلف به تناسب مرجع (مردم، نهادهای مردمی و جامعه نخبگان)؛</p> <ul style="list-style-type: none"> - معرفی مراجع ذیصلاح، نحوه اخذ مجوز فعالیت و مساعدت به نهادهای مردمی و جامعه نخبگان در راستای جلب مشارکت؛ - تشکیل هیئت اندیشه‌ورزی سطح سیاست‌گذاری قوه قضائیه، ارتقای آزادی بیان، آزادی مطبوعات و به رسمیت شناختن نهادها و تشکل‌های رقیب؛ - جلوگیری از تسلط انحصاری گروه‌های ذی-نفع در سطح خط‌مشی‌گذاری نظام قضایی. 		
<ul style="list-style-type: none"> - برگزاری نشست‌های توجیهی و دوره‌های آموزشی برای کارکنان قوه؛ - سازوکارهای تشویقی برای جلب مشارکت قضات، اساتید دانشگاه و نمایندگان کانون‌های وکلا؛ - برگزاری نشست مشترک با حضور قضات منتخب، نمایندگان نهادهای مردمی و جامعه نخبگان؛ - اخذ نظر مشورتی نخبگان و نماینده نهادهای مردمی در تدوین لوایح، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها؛ - برگزاری جلسات تبادل نظر و ایجاد سازوکارها برای ارتقای حس مسئولیت‌پذیری و انتقادپذیری؛ - حمایت حقوقی و قضایی از افراد فقیر در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی؛ - ارتقای حس مسئولیت‌پذیری جامعه با آموزش، تشویق و اجرای برنامه‌های انگیزشی در قالب طرح «شهروند مسئول»؛ - ارتقای شفافیت فرایندهای اداری و قضایی از طریق در دسترس قرار دادن اطلاعات. 	فردی	

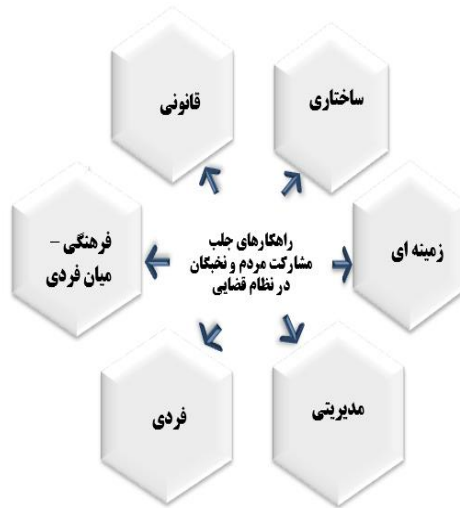
<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی مردم با حقوق و وظایف خود از طریق رسانه؛ - ایجاد ارتباط دوسویه میان مردم و قوه (سامانه‌های ارتباطی دوسویه)؛ - برگزاری نشست‌های تعاملی میان ارکان مختلف قوه قضائیه؛ - اجرای برنامه‌های آموزشی در بستر شبکه‌های مجازی؛ - تعامل قوه قضائیه با نهادهای علمی و فرهنگی؛ - اجرای برنامه‌های آموزشی برای قضات برای آشنایی با رویکردهای پیشگیرانه در صدور احکام قضایی و تقدیر از قضات برتر؛ - دوره‌های آموزشی برای مدیران نهادهای قضایی، وکلا و قضات با تأکید بر فرایندهای قضایی و نهادهای زیرین؛ - اجرای برنامه‌های آموزشی و آشنایی با مسائل قانونی در مساجد با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم؛ - مساعدت قانونی و قضایی و آشنا نمودن افراد در معرض بزهکاری با حقوق و قوانین مربوطه؛ - اطلاع رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم؛ - برگزاری کنفرانس‌های مردمی جهت افزایش مشارکت؛ - افزایش اطلاع‌رسانی توسط رسانه‌های جمعی و ایجاد ارتباط با مردم؛ - برقراری ارتباط حضوری و غیرحضوری با مسئولین قضایی؛ - آموزش کارکنان دادگاه‌ها در خصوص علوم اجتماعی و ارتباطات و چگونگی تعامل با مردم. 	<p>فرهنگی - میان فردی</p>	<p>راهکارهای سطح خرد (دادگاه)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - به رسمیت شناختن حق مشارکت و احترام به حق حاکمیت مردم (تبیین مفهوم مشارکت در میان خط‌مشی‌گذاران)؛ 	<p>قانونی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> - جلب مشارکت مردم، تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری و نهادینه‌کردن آزادی‌های مشروع از طریق آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آزادی‌ها، اطلاع‌رسانی مناسب و آموزش مردم درباره حقوق و وظایفشان، آگاهی‌بخشی در مورد فرایندهای سیاسی و مشارکت اجتماعی؛ - برقراری تعادل میان حقوق و تعهدات؛ - تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها برای مشارکت در نهادهای قضایی؛ - تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت از طریق اصلاح قوانین، آموزش و توانمندسازی نیروهای نظارتی و بازرسی در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی؛ - افزایش حمایت‌های قانونی برای تقویت مشارکت و شفافیت در نظام قضایی؛ - اصلاح قوانین مربوط به آزادی بیان، آزادی مطبوعات و قوانین حامی نهادهای مردمی همکار؛ - تضمین حقوق قانونی رسانه‌های جمعی برای رفع تضادها و ایجاد گفت‌وگو مشترک؛ - حمایت قانونی از گزارشگران (مردم، نهادهای مردمی، نخبگان قضایی و کارکنان قوه) از طریق تهیه و تصویب قوانین مربوطه مشارکت‌پذیری با ایجاد آزادی سیاسی؛ - مشارکت‌پذیری با ایجاد آزادی شفافیت (با امکانی که در پرتو آن و به دور از فضای رانتی، باج‌خواهی و فساد، شهروندان با خیال آسوده بتوانند با یکدیگر داد و ستد و گفت‌وگو کنند). 		
---	--	--

در پایان، مضامین اصلی که به عبارت دیگر راهکارهای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی است در ۶ دسته کلی (ساختاری، مدیریتی، زمینه‌ای، فردی،

فرهنگی - میان فردی و قانونی) کشف و استخراج شد. برای بررسی اعتبار فرایند فوق، با افراد کلیدی (افرادی که دارای اطلاعات غنی بودند) مصاحبه شد و اکثریت افراد چهارچوب مذکور را تأیید کردند. این نظرسنجی با افرادی که دارای اطلاعات و نظرات مهم بودند، برای بررسی قابلیت پذیرش و قابلیت اعتماد این چهارچوب انجام شد. این نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تعداد افراد موافقت خود را با این چهارچوب اعلام کردند و این امر به اعتبار و قابلیت پذیرش آن اشاره دارد.

شکل ۲. راهکارهای جلب مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی



۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در ایران؛ دولت، جامعه مدنی، نخبگان و عوامل سیاسی و مذهبی در یک مسیر موازی فعالیت و تلاش می‌کنند، اما به دلیل عدم همکاری راهبردی، فرصت‌های مشترک را از دست می‌دهند. حکمرانی مشارکتی که با همکاری نخبگان و عموم جامعه و تعامل مداوم افراد برقرار شود، فرصت مناسبی برای رسیدن به اهداف بالاتر را فراهم می‌کند. توسعه یک کشور به واسطه مشارکت نخبگان و حضور نمایندگان مردم در تصمیم‌گیری و الگوسازی، در ارتباط مستقیم با هم قرار دارد. نخبگان و گروه‌های مردمی، با تأثیرگذاری در رویدادهای اجتماعی و تاریخی جامعه خود، به دو روش اصلی، یعنی تصمیم‌گیری و الگوسازی، توانایی تأثیرگذاری بر پیشرفت یا عدم پیشرفت جامعه را دارند.

تأکید بر اعتلای مشارکت عمومی، ارتقای سرمایه اجتماعی و جلوگیری از جرم و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در قوه قضائیه نیازمند گام‌های جدی از مسئولان مرتبط است. این اهمیت به دستیابی به سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به دستگاه قضا اشاره دارد.

در نظام‌های سیاسی، مشارکت عمومی حق مردم است و آن‌ها با حکومت همکاری کرده و به دستاوردهای خود می‌رسند. در حکومت اسلامی نیز، مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف ضروری است. با این حال، محدودیت‌ها و راهکارهای مشارکت باید مورد بررسی قرار گیرند. وظیفه مردم در اداره حکومت چیست؟ آیا آن‌ها ملزم به همکاری و مشارکت با حکومت هستند یا فقط حق مشارکت دارند؟ به‌منظور تحقق این حق یا وظیفه مشارکت مردمی، باید راهکارهای مناسبی اتخاذ کرد. ارتقای سرمایه اجتماعی و اعتماد به دستگاه قضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مشارکت عمومی از طریق ارتباط دوسویه، برگزاری نشست‌های تعاملی و سامانه‌های کاربر پسند، افزایش یافته و با دوره‌های آموزشی برای مدیران نهادهای قضایی و وکلا، آگاهی و شناخت مردم از فرایندهای قضایی تقویت می‌شود. همچنین راهکارهای قانونی نیز اهمیت دارد. بهره‌گیری از اصلاحات در نظام بازرسی و تعیین مرزهای مشارکت در قوانین و مقررات به افزایش مشارکت و تضمین شفافیت منجر می‌شود. بهره‌گیری از حمایت‌های قانونی و ایجاد زمینه‌های مشارکت‌پذیری برای مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی نقش مهمی در ارتقای مشارکت دارد.

بر مبنای مباحث و موضوعاتی که در این پژوهش در باب اهمیت و ضرورت مشارکت نخبگان و مردم مطرح شد با حضور نخبگان و مشارکت گروه‌های مردمی در فرایند تصمیم‌گیری و اداره نظام قضایی، کارایی و کارآمدی این نظام به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد و عناصری همچون مشروعیت، مقبولیت و عدالت‌ورزی نیز بهبود می‌یابند. با حکمرانی نخبگان و مشارکت فعال گروه‌های مردمی، مفاهیمی مانند مشارکت، رقابت و همکاری نخبگان در وضعیتی مطلوب قرار می‌گیرند و فرایند "توسعه سیاسی و اجتماعی" به سمت پیشرفت مطلوب، هدایت و امکان پرورش و توسعه افراد شایسته و نخبه نیز افزایش می‌یابد.

می‌توان با تقویت تشکل‌های مردمی و نهادهای مدنی و ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد با مشارکت مردم و نخبگان، فرایند تصمیم‌گیری را تسهیل کرد. ساختارهای شبکه‌ای و برنامه‌ریزی می‌توانند از تشریفات اداری زائد جلوگیری کرده و مشارکت را تشویق کند. ارتقای نهادهای اجتماعی و شبکه‌های مردمی می‌تواند

کانال‌های ارتباطی بین گروه‌ها را ایجاد کرده و تشکل‌های مردم‌نهاد را در فرایندهای قضایی تقویت کند. استفاده از سامانه‌های الکترونیکی می‌تواند به مشارکت الکترونیکی در ساختار قضایی کمک کرده و از معاونت‌های غیرضروری جلوگیری کند.

فرهنگ و اجتماع نقش کلانی در مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی دارند. با توجه به تأثیر فرهنگ در ارزش‌ها و هنجارها، تقویت فرهنگ مشارکتی می‌تواند زمینه‌ای مثبت برای اجرای راهکارهای مشارکتی ایجاد کند. ایجاد تعاون و همکاری بین مردم و نهادهای قضایی، توسعه مدل‌های بومی با توجه به فرهنگ منطقه، تقویت ظرفیت مردم و توجه به اقلیت‌های مختلف، می‌تواند مشارکت را در سطح کلان ترویج دهد و عملکرد نهادهای قضایی را بهبود بخشد. این اقدامات به ایجاد اثربخشی و کارایی در نظام قضایی کمک کرده و به نفع جامعه خواهد بود.

برای افزایش مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی، راهکارهای مدیریتی شامل تعیین اهداف و دستورالعمل‌های روشن و واضح برای برنامه‌های مشارکتی، تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها برای مشارکت در نهادهای قضایی، رفع موانع و ایجاد سیستم ارزیابی برای ارزشیابی عملکرد مشارکت‌کنندگان و گروه‌های تشکیل شده از آن‌ها و نخبگان، ایجاد بازخورد و سیستم سریع برای رفع موانع، برگزاری کنفرانس‌های مردمی جهت افزایش مشارکت، ایجاد و اجرای نظام پیشنهادات در تمام سطوح برای افزایش انگیزه و آگاهی و ایجاد اشتیاق در جامعه برای مشارکت است. برای ایجاد مشارکت، راهکارهای مدیریتی در سطح کلان و خرد می‌تواند مؤثر باشد. با توجه به ساختار سلسله‌مراتبی سیستم قضایی کشور، ایجاد مدیریت مشارکتی در سطح کلان می‌تواند با راهکارهای مناسب به تقویت مشارکت در سطح خرد کمک کند.

در بخش فردی، تعامل قوه قضائیه با نهادهای علمی و فرهنگی، تعریف مفهوم و ضرورت مشارکت، برگزاری جلسات تبادل نظر، ایجاد ساز و کارها برای ارتقای حس مسئولیت‌پذیری و انتقادپذیری می‌تواند نگرش مثبتی به مشارکت ایجاد کرده و زمینه را برای تصمیم‌گیری مردم و نخبگان فراهم نماید. به‌منظور ایجاد راهکارهای فرهنگی - میان فردی، ارتباط دوسویه میان مردم، نخبگان و قوه قضائیه از طریق سامانه‌های ارتباطی، برگزاری نشست‌های تعاملی و طراحی سامانه‌های کاربر پسند برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم در سطح کلان و خرد، ارتباطات حضوری و مجازی بین مردم و نخبگان با مسئولان قضایی را تسهیل می‌کند. دوره‌های آموزشی

برای مدیران نهادهای قضایی، وکلا و قضات با تأکید بر فرایندهای قضایی و نهادهای زیرین، مشارکت را افزایش می‌دهد. جهت ایجاد راهکارهای قانونی، ابتدا باید حق مشارکت مردم و نخبگان در قوانین به رسمیت شناخته شده و حق مشارکت آن‌ها تعیین می‌شود، تا تصمیمات مشروعیت یابند. تقویت و کارآمدسازی نظام بازرسی و اصلاح قوانین برای گروه‌ها و نهادهای مردمی و نخبگان با ایجاد مرزهای مشارکت، فرایند مشارکت‌پذیری را تعیین و با ایجاد آزادی و فرصت‌های بیشتر، آن را تسهیل می‌کند. افزایش حمایت‌های قانونی نیز مشارکت و شفافیت را تقویت می‌کند.

با نظر داشت عدم وجود الگوی مشخص و روشمند برای شناسایی و پرورش نخبگان و کارگزاران سیاسی و اجرایی در کشور، می‌توان پیشنهادات زیر را در نظر گرفت:

- ❖ ایجاد سازوکارهای دقیق و مشخص برای شناسایی نخبگان و کارگزاران سیاسی و اجرایی با توجه به استعدادها، توانایی‌ها و تجربیات آن‌ها: این سازوکارها می‌توانند شامل آزمون‌ها، مصاحبه‌ها، رویدادها، نهادهای مشاوره سیاسی، ارزیابی عملکرد و برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای نخبگان باشند؛
- ❖ از این جهت که حکمرانی مشارکتی مبتنی بر توانمندسازی مردم، نخبگان، احزاب و تشکلهای گوناگون مردم نهاد است، یکی از راه‌های توانمندسازی افراد، قوانین مربوط به عملکرد صحیح نهادها، مبارزه با لابی‌گری، آموزش اخلاق و افزایش پایبندی به ارزش‌ها، ایجاد شفافیت و تفاوت بین قدرت سیاسی و اقتصادی است چرا که به نظر می‌رسد قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی را کنترل می‌کند؛
- ❖ تقویت نظام حزبی با حمایت مادی و معنوی از احزاب سیاسی و تشکلهای توسط دولت و نهادهای مرتبط: این حمایت می‌تواند شامل اعطای وام‌های بانکی با شرایط ویژه، اعانه‌های مالی، ارائه تسهیلات فرهنگی و آموزشی، توسعه زیرساخت‌ها و تجهیزات همچنین ترویج فرهنگ پشتیبانی از احزاب و تشکلهای سیاسی باشد. همچنین شامل رفع موانع قانونی در راه توسعه احزاب و تشکلهای بر اساس قوانین و مقررات کشور است؛
- ❖ اصلاح و ارتقای نظام انتخاب افراد در نظام قضایی و دادگاه‌ها و اجرای فرایند چرخش نخبگان و ترسیم و اجرای الگوی پرورش و به‌کارگیری نخبگان و شایسته‌سالاری در مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی و مدیریتی؛

❖ حفظ و ایجاد ائتلاف‌های مدافع برای تأثیرگذاری بر خط‌مشی‌های عمومی و کاهش تنش‌ها و اختلافات سیاسی بین نخبگان و گروه‌های مختلف مردمی و تقویت و همبستگی و تعامل میان آن‌ها و ایجاد فضای مذاکره برای توافقات بین ائتلاف‌ها با تقویت نخبگان به‌عنوان کارآفرینان سیاستی که از ایده‌های نو دفاع می‌کنند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، اتخاذ رویکرد صرفاً کیفی بوده که تأثیر هر یک از این عوامل را نشان نمی‌دهد. محدودیت در مصاحبه با مدیران رده بالا قوه قضائیه از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده است.

برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود که با اتخاذ رویکرد کمی به رتبه‌بندی و تعیین شاخص‌های مهم‌تر در پیاده‌سازی مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی پرداخته شود. با استفاده از رویکرد کمی می‌توان به بررسی تأثیر یا ارتباط میان عوامل زمینه‌ساز مشارکت در نظام قضایی پرداخت و جهت اجرایی‌سازی مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی، مدل ارائه کرد.

فهرست منابع

- آبراکرامی، نیکلاس و همکاران (۱۳۶۷). *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش.
- الوانی، سید مهدی؛ قرشی، سید روح اله (۱۳۹۴). *مشارکت عمومی و نظارت همگانی*، تهران: انتشارات دانش‌های بنیادی.
- الصاق، شکیب؛ گیوریان، حسن؛ ربیعی مندجین، محمدرضا؛ جمشیدی اوانکی، مینا (۱۴۰۰). *پیچیدگی‌های شناسایی مسائل عمومی در ایران با رویکرد داده بنیاد*. فصلنامه علمی راهبرد (۴) ۳۰.
- پور عزت، علی اصغر (۱۳۹۵). *مبانی مدیریت دولتی*، تهران: انتشارات سمت.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۷). *رویکرد مشارکتی در سیاست جنایی ایران*. رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، سید احمد؛ عباسی، رسول؛ رضایی، رؤیا (۱۳۹۴). *شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت*. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸(۶۶).
- دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه. (۱۳۹۸).
- رمضان پور، دانیال؛ عبدالحمید، مهدی؛ رضائیان، علی (۱۴۰۰). *ساختاردهی به مسئله عدم مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران*. سیاست‌های راهبردی و کلان.
- مقدری، مهدی (۱۳۹۵). *درآمدی بر حکمرانی خوب (توسعه، دموکراسی، جهانی شدن)*، تهران: انتشارات جنگل.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳). *حاکمیت و نهادهای سیاسی*، جلد ۲، انتشارات میزان.
- وروایی، اکبر (۱۳۹۴). *نقش نظارت سازمانی در پیشگیری از جرائم و تخلفات کارکنان نیروی انتظامی*. فصلنامه نظارت و بازرسی. شماره ۲۸.
- ژاله باغبادرانی، معصومه؛ یعقوبی پور، علی؛ فتحی زاده، علیرضا (۱۴۰۰). *طراحی مدل حکمرانی مشارکتی در راستای کاهش فساد اداری با رویکرد آمیخته (مورد مطالعه: استانداری و فرمانداری شهر اهواز)*. فصلنامه علمی راهبرد، ۳۰(۴).

References

- Abrakrami, Nicholas and others (1988). Culture of Sociology, translated by Hasan Pouyan, Chapakhsh, Tehran. [in Persian]
- Abdul, Salim, Amin. (2015). Judicial Institutions in a Post-Conflict Society: Gaining Legitimacy through a Holistic Reform. World Academy of Science, Engineering and Technology, International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering, 9(6):2202-2209.
- Alwani, Seyyed Mahdi, Qureshi, Seyyed Ruholah (2014). Public participation and public supervision, Tehran: Fundamental knowledge publications. [in Persian]
- Guidelines for the participation and interaction of public institutions with the judiciary(2018) [in Persian]
- Hosseini, Seyyed Ahmed, Abbasi, Rasool, Rezaei, Roya. (2014). Identifying the factors affecting the participation of elites in developing the Islamic-Iranian model of progress. Basij strategic studies, 18(66), 25-45. [in Persian]
- Hashemi, M., Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran (2004). Volume 2, Sovereignty and Political Institutions, Mizan Publications. [in Persian]
- Jamshidi, Alireza. (2008). Participatory approach in Iran's criminal policy. Doctoral dissertation of Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Moghadari, Mehdi (2015). An introduction to good governance (development, democracy, globalization), Tehran: Jangal Publications. [in Persian]
- Pour Ezzat, Ali Asghar (2015), Public Administration Basics, Tehran: Samt Publications. [in Persian]
- Varwai, Akbar. (2014). The role of organizational supervision in preventing crimes and violations by police officers. Supervision and Inspection Quarterly. Number 28. [in Persian]
- Ramezanzpour, D., Abdolhamid, M., & Reaeian, A. (2022). Structuring the Problem of Non-Participation of Elites during the Process of Public Policy Making in IR of Iran. Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies, 9(4), 748-772. [in Persian]
- Abdolhamid, M., Abdolhoseinzadeh, M., Esmaeili Givi, M., Saberi, M. K., Mirezati, S. Z., & Amiri, M. R. (2023). Bibliometric analysis of global scientific research on Public Administration: 1923-2020. International Journal of Information Science and Management (IJISM), 21(1), 75-96. doi: 10.22034/ijism.2022.1977740.0
- Abrakrami, Nicholas and others (1988). Culture of Sociology, translated by Hasan Pouyan, Chapakhsh, Tehran. [in Persian]
- Alwani, Seyyed Mahdi, Qureshi, Seyyed Ruholah (2014). Public participation and public supervision, Tehran: Fundamental knowledge publications. [in Persian]
- Audu, A. (2021). Public Hearing and citizens Participation in Law Making in Nigeria: A Study of the Senate Committee on Judiciary, Human Right and Legal Matters (Doctoral dissertation, NILDS-Department of Studies).
- Asema, E. (2018). "An evaluation of shared governance in public universities in Kenya: Students lens". International Journal of Educational Administration Policy Studies, 10(11): 148-159

- Borucka-Arctowa, M. (1976). "Citizen participation in the administration of justice: Research policy in Poland", *Sociology of the Judicial Process*.
- Bruce W. Speck, (2011) "The myth of shared governance in higher education", *International Journal of Organization Theory & Behavior*, Vol. 14 Issue: 2, pp.200-235, <https://doi.org/10.1108/IJOTB-14-02-2011-B004>
- Boen, F., De Cuyper, B., & Opdenacker, J. (Eds.). (2006). *Current research topics in exercise and Sport Psychology in Europe*. Lannoo Uitgeverij.
- Bejou, D., & Bejou, A. (2016). "Shared governance: The Key to Higher Education Equilibrium". *Journal of Relationship Marketing*, 15(1-2), 54-61
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Caulier-Grice, J., Davies, A., Patrick, R. & Norman, W., (2012). *Defining social innovation*.
- Chowdhury, S., Panday, P. K. (2018). *Strengthening Local Governance in Bangladesh: Reforms, Participation & Accountability*.
- Coghlan, D. & Brannick, T. (2014), *Doing Action Research in Your Own Organization*, Sage, Thousand Oaks, CA.
- Christie, N.V. (2018), "A comprehensive accountability framework for public administrators", *Public Integrity*, Vol. 20No. 1, pp. 80-92
- Cameron, E., & Green, M. (2020). *Making sense of change management: A complete guide to the models, tools and techniques of organizational change*. London: Kogan Page.
- elsagh, S., givarian, H., Rabiee Mandejin, M. R., & jamshidievaneki, M. (2022). Complexities of Identifying Public Issues in Iran with a Grounded Theory Approach. *Strategy*, 30(4), 691-730. [in persian]
- Elena, S., & Pichón-Rivière, A. (2014). *Recomendaciones para implementar una política de datos abiertos en el Poder Judicial*. Buenos Aires: CIPPEC.
- Ellen, M., Carroll, T., Tammi, D., Walker, Alyssa, Croft. (2021). Diversifying the bench: Applying social cognitive theories to enhance judicial diversity. *Social and Personality Psychology Compass*, 15(2) doi: 10.1111/SPC3.12580
- Fusco, F. & Ricci, P. (2019), "What is the stock of the situation? A bibliometric analysis on social and environmental accounting research in public sector", *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 32 No. 1, pp. 21-41
- French, W. L., & Bell, C. (1995). *Organization development: Behavioral science interventions for organization improvement*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall
- Guidelines for the participation and interaction of public institutions with the judiciary(2018) [in Persian]
- Gaete, R.A. (2008), "Aplicaciones de la responsabilidad social a la nueva gesti_on p_ublica (applications of social responsibility to the new public administration)", *Documentos y Aportes en Administraci_on P_ublica y Gesti_on Estatal*, Vol. 8 No. 11, pp. 35-61
- Gusman, D., & Syofyan, Y. (2023). *Public Participation In Legislation (Legal Comparison Studies In Indonesia, South Africa, And United State)*. *Nagari Law Review*, 6(2), 133-145.
- Hashemi, M., *Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran (2004)*. Volume 2, Principles and Basics of the System, Mizan Publications. [in Persian]

- Hosseini, Seyyed Ahmed, Abbasi, Rasool, Rezaei, Roya. (2014). Identifying the factors affecting the participation of elites in developing the Islamic-Iranian model of progress. *Basij strategic studies*, 18(66), 25-45. [in Persian]
- Irvin, R. A., & Stansbury, J. (2004). Citizen participation in decision making: is it worth the effort?. *Public administration review*, 64(1), 55-65.
- Jamshidi, Alireza. (2008). Participatory approach in Iran's criminal policy. Doctoral dissertation of Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Jessop, B. (2007). *State power: A strategic-relational approach*. Cambridge: Polity.
- Krefling, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *The American journal of occupational therapy*, 45(3), 214-222.
- Karin, Hansson., Göran, Cars., Mats, Danielson., Love, Ekenberg., Aron, Larsson. (2012). Diversity and Public Decision Making. *World Academy of Science, Engineering and Technology, International Journal of Computer, Electrical, Automation, Control and Information Engineering*, 6(11):1463-1468.
- LOMAX, A. (2009). *REORGANIZING THE FEDERAL GOVERNMENT*. National academy of public administration.
- McGuire, F. (2019). "The Past, the Present, and the Future of Shared Governance". *Scholar: a Journal of Leisure Studies and Recreation Education*, 34, 2, 132-137.
- McCabe, D. (2020). *Changing change management: Strategy, power and resistance*. New York, NY: Routledge.
- Micheline, L., (2012). *Social innovation and new business models: creating shared value in low-income markets*, Springer
- Nematollahi, H., Maleki, M., Abdolhamid, M., & Sarvandi, M. (2023). Identifying and ranking obstacles to the participation of people and elites in the judicial system. *Majlis and Rahbord*. [in Persian]
- Moghadari, Mehdi (2015). *An introduction to good governance (development, democracy, globalization)*, Tehran: Jangal Publications. [in Persian]
- Mahmood, Q., & Muntaner, C. (2020). State-society nexus in Brazil & Venezuela & its effect on participatory governance efforts in health & other sectors. *International Journal for Equity in Health*, 19(1), 1-15
- Mallon, W. (2004). Disjointed governance in university centers and institutes. *Restructuring Shared Governance in Higher Education*, 61-74
- Osburg, T & Schmidpeter, R., (2013). *Social Innovation: Solutions for a Sustainable Future*.
- Peters, M. A., & Britez, R. G. (2008). *Open education & education for openness*. Sense Publishers
- Platteau, J. P. (2007). "Pitfalls of Participatory Development." (Mimeo.) Background paper written for the World Public Sector Report 2007. United Nations Department for Economic & Social Affairs: New York.
- Pour Ezzat, Ali Asghar (2015), *Public Administration Basics*, Tehran: Samt Publications. [in Persian]
- Rüede, D & Lurtz, K., (2012). Mapping the various meanings of social innovation: Towards a differentiated understanding of an emerging concept. *EBS Business School Research Paper NO.12-03*.
- Ratnapala, S. (2017). *Jurisprudence*. Cambridge University Press.

- Ramezanpour, D., Abdolhamid, M., & Reaeian, A. (2022). Structuring the Problem of Non-Participation of Elites during the Process of Public Policy Making in IR of Iran. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9(4), 748-772. [in persian]
- Rubin, F. R. (1985). "Citizen Participation in the State Courts", *The Justice System Journal*, 10, 292.
- Sudiarawan, K. A., Wairocana, I. G. N., & Hermanto, B. (2020). Are there Obstacles after the Administrative Court Absolute Competence Extension of Indonesia?. *Varia Justicia*, 16(2).
- Svensson, A. B. (2019). "The Fuzzy Concept of Collaborative Governance: A Systematic Review of the State of the Art". *Central European Journal of Public Policy*, 13(2): 28–39.
- social innovation in Europe" (TEPSIE), European Commission-7th Framework Programme, Brussels: European Commission: DG Research.
- Speck, B., & Fontana, A. (2011). "Milking the system": Fighting the abuse of public resources for re-election. U4 Issue.
- Shaker, Z & Covin, J.G., (1994). Domestic and international competitive focus, technology strategy and company performance: An empirical analysis. *Technology Analysis & Strategic Management*, 6(1), pp. 39-54. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- Sophie, Turenne. (2017). The Independence of a Meritorious Elite: The Government of Judges and Democracy. 1-13. doi: 10.1007/978-94-024-1066-2_1
- Taamneh, M., Nawafleh, S., Aladwan, S., Alquraan, N. (2018). Provincial governors 'their role in local governance 'development in the Jordanian context.
- Venkatesh, V., Rai, A., Setia, P. (2019). Governance 'ICT4D initiative success: A longitudinal field study of ten villages in rural India, *MIS Quarterly*.
- ice officers. Supervision and Inspection Quarterly. Number 28. [in Persian]
- Woodcraft, S. B., Bacon, N., Faizullah, N., & Mulgan, G. (2008). *Transformers: How local areas innovate to address changing social needs*.
- Weiss, J. (2020), "Managing performance 'strategy: managerial practices in German local governments", *Public Performance & Management Review*, Vol. 43 No. 5, pp. 1129-1149.
- Wempe, B. (2009), "Extant social contracts 'the question of business ethics", *Journal of Business Ethics*, Vol. 88, pp. 741-750.
- Whitford, A.B., Milward, H.B., Galaskiewicz, J. 'Khademian, A.M. (2020), "A place at the table: organization theory 'public management", *Perspectives on Public Management 'Governance*, Vol. 3 No. 2, pp. 77-82
- Yuan, Y., Lu, L.Y., Tian, G. and Yu, Y. (2018), "Business strategy and corporate social responsibility", *Journal of Business Ethics*, Vol. 162 No. 2.
- zhaleh baghbadorani, M., Yaghoobipoor, A., & Fathizadeh, A. (2022). Designing a Participatory Governance Model in Order to Reduce Corruption with a Mixed Approach (Case study: Ahvaz Governor's Office). *Strategy*, 30(4), 829-863. [in Persian]